

مالی رشد بدون توسعه

گناه کیست که در یکی از فقیرترین کشورهای جهان، رشد اقتصادی با افزایش فقر قرین شده است؟



اکثر فقرا با نوعی اقتصاد غیررسمی به زحمت زندگی می‌کنند.

در چند سال اخیر آهنگ رشد اقتصادی مالی شدت گرفته، اما اهالی مالی از آن بهره‌ای نبرده‌اند. خانم آمیناتا تراثوره جامعه‌شناس، پیشه‌ور و هنرمند تزیینات که وزیر فرهنگ و گردشگری مالی است می‌گوید: «اجرای اقتصاد کلان به قیمت از دست رفتن نیازهای اساسی و ضروری اکثر جمعیت حاصل شده است.»

بنا به گزارش «مؤسسه بررسی توسعه انسانی پایدار و مقابله با فقر» (ODHD) که در جولای ۱۹۹۸ منتشر شد، تولید ناخالص داخلی ملی (GDP) کشور مالی از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ جمعاً پنج درصد در سال رشد داشته و دو درصد در سال به فقر افزوده شده است. تراثوره می‌گوید: «فقراي جدید کسانی هستند که کارشان را از دست داده‌اند و یا آنها که هیچ گاه شغلی نداشته‌اند یا توسط مقامات اداری تعدیل شده‌اند. آنها که جذب اقتصاد غیررسمی شده‌اند مالیات پرداخت نمی‌کنند و آمار و ارقامی به دست نمی‌دهند. به گفته تراثوره، بدون این بخش اقتصادی وضعیت انفجارآمیز می‌شد.»

بنا به گزارش «مؤسسه بررسی توسعه انسانی پایدار و مقابله با فقر» (ODHD) امروز هفتاد و دو درصد جمعیت ۹/۲ میلیونی کشور مالی زیرخط فقر زندگی می‌کنند و به زحمت سالی صدو هشتاد دلار درآمد دارند (کمتر از روزی پنجاه سنت). شاخص‌ها تصویر ناخوشایندی را نشان می‌دهند. یک سوم اهالی مالی انتظار زنده ماندن تا چهل سالگی را ندارند، تقریباً چهار پنجم بی‌سوادند، بیش از نیمی از مردم از آب آشامیدنی سالم بی‌بهره‌اند و دوسوم افراد به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند. پنجاه درصد از کودکان زیر پنج سال از سوء تغذیه رنج می‌برند، در مقابل ۳۵ درصد از همین مورد در ۱۹۸۸. تنها نقطه روشن، کند شدن آهنگ گسترش فقر است. از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ شمار افرادی که زیرخط فقر زندگی می‌کردند تا یازده درصد افزایش یافت و از آن زمان به بعد

تنها دو درصد افزایش یافته است.

تراثوره معتقد است بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مسئولیت قابل ملاحظه‌ای در وخیم‌تر شدن شرایط زندگی به عهده دارند. در کتابی که اخیراً تحت عنوان «مانع» (Actes sud، پاریس، ۱۹۹۹) منتشر شده او مدعی حق تعیین سرنوشت برای کشور خود شده است و با افسوس می‌گوید: «چندین سال است هر گونه تصمیمی بدون اطلاع اهالی مالی اتخاذ می‌شود، بدون اینکه از واقعیت‌ها آگاه باشند. این امر منجر به مخاطراتی برای فرصت‌های همستگی و یکپارچگی در فرآیند مردم سالاری شده است. نیازمندان کشورهای فقیر آفریقا سخت‌ترین صدمه‌ها را از معیارهای تحمیلی دیده‌اند. این معیارها کشوری را که بخش‌های حیاتی مانند آموزش، بهداشت، تهیه آب آشامیدنی سالم را، جدی نگیرد، بی‌اعتبار می‌کند. خلاصه مددکاری اجتماعی باید خصوصی شود تا دولت بتواند در قبال وام دهندگان به مسئولیت‌هایش عمل کند.»

سوءمدیریت

تراثوره معتقد است که این اصلاحات منجر به تحکیم قدرت جهانمداران می‌شود. هدف آنها ایجاد فرصت‌های بیشتر برای قدرتمندان و گسترش نظارت و تسلط بر افکار ماست همانند تسلط گسترده کشورهای ثروتمند بر مواد خام. همچنین او عقیده دارد که آنها کوشش‌های دولت را برای اصلاح وضع محرومان تضعیف می‌کنند. در اواخر ۱۹۹۴ دولت مالی تصمیم به تمرکز امور بر توسعه پایدار و مقابله با فقر را داشت که از تنظیم «راهبرد ملی» در ۱۹۹۷ اتخاذ شده بود. اما این «گزینه قابل تمجید» چنانچه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بر پیگیری همان فرآیند قبلی پافشاری کنند شکست خواهد خورد. تراثوره معتقد است: «با سیاست‌های اصلاحی جاری کشور جای بسیار کمی برای انعطاف باقی می‌ماند.» هر یک از موارد استخدام، جوانان، زنان، بهداشت، آموزش و محیط زیست مستلزم هزینه است که در محل فراهم نیست. تأمین بودجه از مؤسسات مالی یعنی تسلیم شدن به شرایطی که قرار است مدیریت و بهره‌وری را اصلاح کند. این شرایط در واقع نفی کننده بهره‌وری است: دستمزد کم کارگران عاملی بازدارنده است و موجب سوءمدیریت مداوم، نطفه آشوب و عدم ثبات سیاسی است.»

تراثوره مسئولیت دولت‌های آفریقایی را در ورشکستگی اقتصادی کشورشان انکار نمی‌کند. «نمی‌گویم فساد در کار نیست... اما من از مشارکت در مسئولیت دفاع می‌کنم. اکثر تصمیماتی که در آفریقا اتخاذ شده نتیجه صوابدید، راهنمایی و در برخی موارد الزام و اجبار بوده است. پس باید منطقی صریح و دقیق باشیم و هم خودمان و هم آنها که ادعای کمک به ما را دارند، مؤاخذه کنیم. سوفی بخاری

دارایی سه تن از ثروتمندترین افراد جهان افزون‌تر از مجموع تولید ناخالص داخلی چهل و هشت کشور در حال توسعه است.